

نرخ واقعی دلار؟! و تأثیر آن بر صنعت پسته

فرهاد آگاه

عضو پیوسته انجمن پسته ایران

خودکار، مجدداً تعادل بین میزان عرضه و تقاضای کل موجود در آن بازار را برقرار می سازد. باید توجه نمود که این کارکرد قیمت، نافذ نقش اول آن در معامله که همانا حصول مطلوبیت بیشتر برای طرفین معامله پس از اتمام معامله است نمی باشد.

در اقتصادهای پیشرفته نقش حاکمیت در فعالیت های اقتصادی به دو مورد خلاصه می شود:

۱. تأمین کننده شرایط و زیرساخت های لازم جهت ایجاد بازار آزاد داد و ستد کالاها و جلوگیری از انحصار و
۲. دآوری بین طرفین معامله در صورت بروز اختلاف بر طبق قوانین از قبل وضع شده.

در یک اقتصاد مدرن، دولت ها به هیچ وجه حق دخالت در بازار آزاد از طریق "تعیین قیمت" و یا وارد شدن به رقابت با خریداران و فروشندگان را ندارند.

اما در بسیاری از کشورهای دارای ثروت های زیرزمینی، دولت ها با هزینه کردن این دارایی ها اقدام به برهم زدن نظم خودجوش بازار آزاد با سیاستهای مداخله گرایانه می کنند. عمق فاجعه هنگامی نمایان می شود که درک کنیم ذخائر زیرزمینی یک کشور متعلق به کلیه نسل های آتی مردم آن کشور نیز می باشد و نبایستی این ثروت ها صرف هزینه ایجاد رفاه برای نسل فعلی شود.

نمونه بارز این روش را می توان در سیاست های ارزی دولت های مستقر در کشور از سال ۱۳۳۰ به این سو مشاهده کرد. در تمام این دوران هرگاه به واسطه قیمت بالای نفت، دست دولت ها در ریخت و پاش باز بوده، با سرآزیر کردن دلارهای نفتی به بازار ارز، به طور مصنوعی باعث تنزل نرخ تبدیل دلار به ریال و بالتبع ارزان شدن کالاهای مصرفی وارداتی و صدمه به کشاورزی و صنایع تولیدی داخلی شده اند. در این مسیر، دولت به عنوان یک فروشنده کالا (دلار) به رقابت با سایر فروشندگان (صادرکنندگان کشور) وارد شده است. شدت نابرابری این رقابت مداخله گرایانه و مخرب وقتی روشن می شود که در نظر آوریم هزینه تولید هر بشکه نفت در قیمت های حال حاضر چیزی در حدود ۱۰ درصد قیمت فروش آن بوده اما هزینه تولید به طور مثال هر کیلو پسته به عنوان یکی از کالاهای غیرنفتی صادراتی حدود ۷۵ درصد قیمت فروش آن می باشد.

دولت های ایران تنها در وقفه های کوتاه مدتی که فروش نفت اندک و یا قیمت آن پایین بوده، از سر ناچاری خود را محتاج صادرات کالاهای غیرنفتی توسط بخش خصوصی و تولیدات داخل کشور دیده اند. در چنین وضعی به خاطر نداشتن دلارهای مازاد و

از آنجا که در صورت ترقی نرخ دلار، افزایش هزینه های تولید پسته کماکان متناسب با تورم داخلی و بسیار کمتر از افزایش سود کشاورزان پسته از قبل افزایش نرخ دلار افزایش چشمگیری خواهد داشت. در چنین شرایطی، صرفه اقتصادی، بار دیگر به کشاورزی پسته کشور باز خواهد گشت و انگیزه جهت سرمایه گذاری در ایجاد باغات پسته جدید و مدرن افزایش خواهد یافت. اما واقعا نرخ تبدیل دلار به ریال که چنین تأثیر شگرفی بر قشر زحمت کش تولیدکننده در کشور اعم از باغداران پسته، افراد شاغل در سایر بخشهای کشاورزی و همچنین کلیه صنایع تولیدی دارد و این روزها نقل محفل مجالس همه احاد کشور شده است باید در کجا قرار گیرد؟ جهت پاسخ به این پرسش، اول باید اذعان نمود دستاوردهای علم اقتصاد که بر پایه تمام تجربیات تاریخی تلخ و شیرین جامعه بشری بنا شده، مبین آن است که تعیین قیمت هر کالا منجمله ارز در طی فرآیند معامله بین فروشنده و خریدار و به واسطه حصول مطلوبیت بیشتر برای هر دو طرف پس از انجام معامله، مورد توافق قرار می گیرد. قیمتی که برای تبادل یک کالا بین یک فروشنده و خریدار نوعی مورد توافق واقع می شود، ممکن است برای یک فروشنده یا خریدار دیگر مطلوبیتی نداشته باشد. بنابراین واژگانی از قبیل قیمت "واقعی"، "ذاتی" و حتی "تعیین قیمت" از سوی یک نهاد بیرونی یا ثالث برای کالاها، در اقتصاد امروز تعریف نشده، نامفهوم و مهجورند.

نیازها و روابط گسترده و پیشرفته بشر امروزی به ناچار سبب پیدایش بازارهای پیشرفته مبادله کالاها شده است. در یک بازار آزاد، تعداد زیادی خریدار و فروشنده مشغول مبادله یک کالای مشابه می شوند. چنانچه یک ناظر از بیرون نگاه اجمالی به بازار آزاد بینانداز متوجه می شود که قیمت میانگین کالای در حال مبادله در آن بازار به طور مداوم در اثر کاهش یا افزایش در میزان عرضه و تقاضا در حال تغییر است. در واقع در بازار آزادی که پایه علم اقتصاد امروزی است، قیمت و تغییرات آن، ایزاری خودکار جهت ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در کل بازار است. به عنوان مثال، چنانچه در عین ثابت ماندن عرضه یک کالا، تقاضا برای خرید آن افزایش یابد، مکانیزم موجود در بازار آزاد به طور خودکار باعث می شود تا قیمت کالا بالا رفته و در اثر این افزایش تعدادی از خریداران بالقوه که تمایل به خرید در قیمت بالاتر را ندارند از گردونه رقابت خارج شوند. این فرآیند

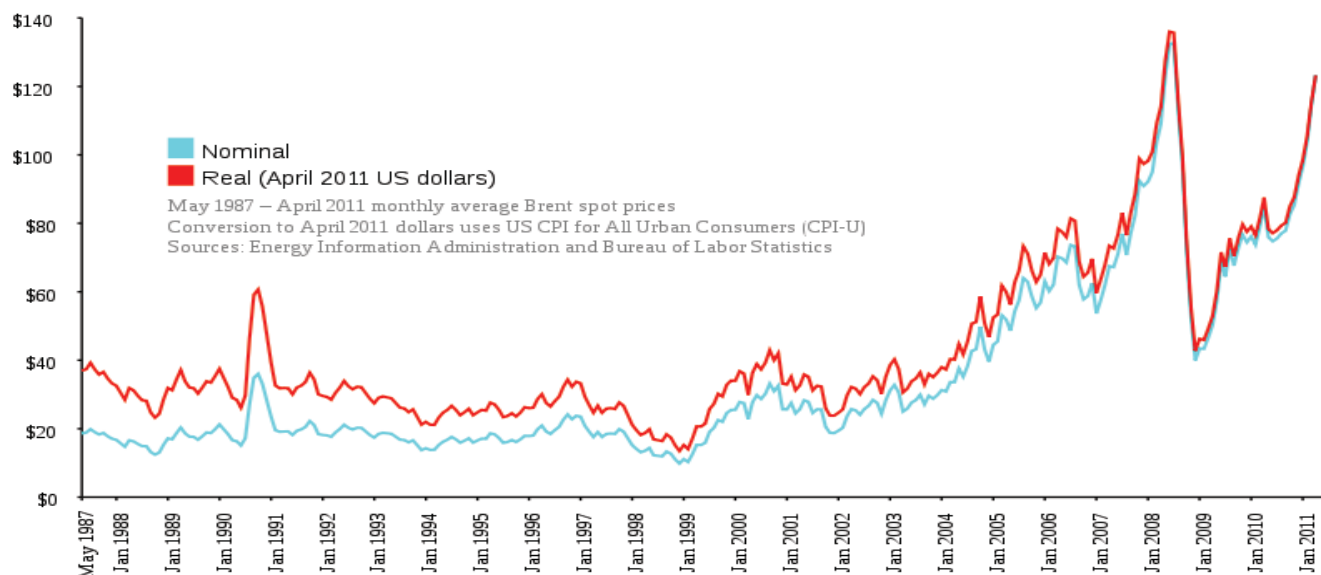
این روزها هر جا در جمع کشاورزان پسته کشور می نشینی، صحبت از این است که باغداری پسته دیگر مقرون به صرفه نبوده و درآمد ناشی از فروش محصول دیگر کفاف هزینه های تولید، برداشت و فرآوری را نمی دهد. همانطور که در مقاله «هزینه تمام شده تولید پسته در باغات مثمر کشور در سال ۱۳۹۰» این ویژه نامه به تفصیل بدان اشاره شده، هزینه تولید پسته در کشور به شدت در حال افزایش است. چنانچه در آن مقاله برای یک باغ نمونه ممتاز با میانگین برداشت متوسط ۱/۵ تن پسته در هکتار محاسبه شده، هزینه تولید هر کیلو پسته خشک در این باغ نزدیک ۶۵۰۰ تومان می باشد. صحت ادعای کشاورزان وقتی مشخص تر می شود که به یاد آوریم طبق گزارشات وزارت جهاد کشاورزی متوسط برداشت پسته از باغات کشور حدود ۷۰۰ کیلو پسته خشک در هکتار می باشد. افزایش شدید هزینه های تولید پسته در کشور ناشی از چهار عامل اساسی است:

۱. کاهش مقدار میانگین برداشت محصول از باغات عمدتاً به دلیل از بین رفتن و نقصان کمی و کیفی منابع آبی در دسترس کشاورزان پسته؛
۲. تورم مزمن و ساختاری اقتصاد کشور؛
۳. حذف ناگهانی یارانه های انرژی از سوی دولت و
۴. سنتی ماندن ساختار کشاورزی پسته کشور از قبیل خرده مالکی و عدم مکانیزاسیون فعالیتهای باغی و برداشت.

اما سوی دیگر قضیه که تدریجاً در حال کاستن از صرفه اقتصادی تولید پسته در کشور می باشد، عدم ترقی قیمت ریالی فروش پسته در تناسب با افزایش هزینه های تولید می باشد. چون قریب ۸۰ درصد محصول سالانه پسته کشور صادر می شود، عرضه و تقاضا در بازارهای بین المللی تعیین کننده قیمت معامله پسته حتی در داخل کشور می باشد. و از آنجا که قریب به اتفاق معاملات پسته در بازارهای بین المللی به دلار آمریکا انجام می شود، نرخ تبدیل دلار به ریال نقش غیرقابل انکاری در درآمد سالانه کشاورزان و تجار پسته بازی می کند.

برای روش شدن مطلب توجه خوانندگان را به یک مثال جلب می نمایم:

فرض کنید نرخ تبدیل دلار به ریال در بازار آزاد به جای ۱۳۵۰۰ ریال امروز ۴۰۰۰۰ ریال بود؛ چنانچه قیمت فروش یک محموله فرضی پسته در یک معامله، از قرار هر کیلو ۷ دلار باشد، عایدی فروشنده از این معامله به ازاء هر کیلو پسته فروش رفته به جای ۹۴۵۰ تومان، ۲۸۰۰۰ تومان خواهد بود.



رفاه‌ی غیر قابل تداوم با هدف جلب رضایت مصرف کنندگان غیر تولیدگر، شهامت آن را بیابند تا با امتناع از سیاست‌های مداخله گرایانه ارزی موجب رونق کشاورزی و صنایع تولیدی داخل کشور و بالتبع آن توانمندسازی افراد جامعه بواسطه ایجاد اشتغال در بخش‌های تولیدی شوند.

می‌بایست هم اکنون در حدود ۲۳۰۰۰ ریال می‌بود که این عدد نیز بسیار بیشتر از نرخ ۱۳۵۰۰ ریالی فعلی است. محاسبات به عمل آمده نشان می‌دهد نرخ آزاد ارز پس از حذف آثار تورم از آن در حال حاضر در پایین‌ترین نقطه تاریخی خود قرار دارد.

امید است دولتمردان ما به جای اتخاذ سیاست‌های

ارزان نفتی، دولتمردان به ناچار دست از دخالت در بازار ارز برداشته‌اند. نمودار بالا تغییرات قیمت نفت را از سال ۱۹۸۷ میلادی به این سو نشان می‌دهد.

مطابق این نمودار ملاحظه می‌شود که نفت، پایین‌ترین نرخ خود را در این دوره در سال ۱۹۹۹ میلادی داشته است. در این زمان که دولت ایران حائز کمترین درآمد نفتی خود بوده نرخ دلار آزاد ۹۴۳۰ ریال بوده است. چنانچه این نرخ تبدیل دلار به ریال را به عنوان نرخ‌ی که کمترین مداخله دولت و دلارهای نفتی را در جایگاه آن می‌توان متصور بود، مبنای قرار دهیم، تخمین نرخ تبدیل دلار به ریال امروز به فرض عدم مداخله مجدد بیشتر دولت از آن تاریخ تا کنون، از روش زیر قابل استخراج است.

جدول مقابل روش بدست آوردن این تخمین را با استفاده از تفاوت نرخ تورم ریال و دلار طی این سال‌ها نشان می‌دهد. مطابق این جدول، با مبنای قرار دادن نرخ ارز آزاد در سال ۱۳۷۸ شمسی برابر ۱۹۹۹ میلادی و محاسبه افزایش سالانه آن بر اساس تفاوت درصد تورم سالانه ریال و دلار به نرخ تبدیل ۴۲۳۳۵ ریال برای سال ۱۳۹۰ خواهیم رسید. این بدین معناست که چنانچه دولت به جای سرازیر ساختن دلارهای ناشی از فروش ثروت نفت به بازار داخلی، دست از تهاه ساختن سرمایه نسل‌های آینده بر می‌داشت، هم اکنون هر دلار آمریکا قاعدتاً می‌بایست نرخ‌ی حول و حوش ۴۲۰۰ تومان می‌داشت. در این صورت عایدی ناشی از فروش هر کیلو پسته ۷ دلاری به جای ۹۵۰۰ تومان فعلی قریب ۳۰۰۰۰ تومان بود. حتی چنانچه نرخ تبدیل ارز آزاد را پس از مداخله دولت در سال ۱۳۸۱ و تک‌نرخ‌سازی آن در ۷۹۲۴ ریال مبنای قرار دهیم، با در نظر گرفتن تفاوت نرخ تورم داخل و خارج کشور از آن سال تا کنون، قیمت دلار آمریکا

تخمین نرخ تبدیل دلار آمریکا به ریال ایران (با فرض حداقل مداخله دولت در بازار ارز)

نرخ تبدیل	رصد تورم سالانه			سال	
	ریال	تفاوت	ریال	میلادی	شمسی
۹,۴۳۰	۲۰,۰	۲,۲	۱۷,۸	۱۹۹۹	۱۳۷۸
۱۱,۱۰۹	۱۲,۸	۳,۴	۹,۴	۲۰۰۰	۱۳۷۹
۱۲,۰۵۳	۱۱,۳	۲,۸	۸,۵	۲۰۰۱	۱۳۸۰
۱۳,۷۵۲	۱۵,۷	۱,۶	۱۴,۱	۲۰۰۲	۱۳۸۱
۱۵,۵۸۱	۱۵,۶	۲,۳	۱۳,۳	۲۰۰۳	۱۳۸۲
۱۷,۵۴۴	۱۵,۳	۲,۷	۱۲,۶	۲۰۰۴	۱۳۸۳
۱۸,۷۷۳	۱۰,۴	۳,۴	۷,۰	۲۰۰۵	۱۳۸۴
۲۰,۴۰۶	۱۱,۹	۳,۲	۸,۷	۲۰۰۶	۱۳۸۵
۲۳,۵۶۹	۱۸,۴	۲,۹	۱۵,۵	۲۰۰۷	۱۳۸۶
۲۸,۶۶۰	۲۵,۴	۳,۸	۲۱,۶	۲۰۰۸	۱۳۸۷
۳۱,۸۴۱	۱۰,۸	-۰,۳	۱۱,۱	۲۰۰۹	۱۳۸۸
۳۵,۲۸۰	۱۲,۴	۱,۶	۱۰,۸	۲۰۱۰	۱۳۸۹
۴۲,۳۳۵	۲۲,۰	۲,۰	۲۰,۰	۲۰۱۱	۱۳۹۰

منبع نرخ‌های تورم دلار و ریال: www.indexmundi.com